

افسانه قاجار

شاهدخت ناکام

حمزه سردادور

www.ketab.ir

سرشناسه	:	سردادور، حمزه، ۱۳۴۹-۱۳۷۵
عنوان و نام پدیدآور	:	افسانه قاجار / نویسنده حمزه سردادور.
مشخصات نشر: تهران	:	دبیر، ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری	:	۴۸۸ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۵۹۵۵-۴۴-۶
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیا
یادداشت	:	کتاب حاضر در سال‌های مختلف توسط ناشران مختلف منتشر شده است.
موضوع	:	داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	:	داستان‌های تاریخی
رده‌بندی کنگره	:	۱۳۹۰ الف ۷ ر ۴۳ / PIR ۸۰۹۵
رده‌بندی دیوینی	:	۸ فا ۳ / ۶۲
شماره کتاب‌شناسی ملی	:	۲۴۸۳۰۳۸



ناشر	:	انتشارات سمیر
عنوان	:	افسانه قاجار
نویسنده	:	حمزه سردادور
چاپ اول	:	۱۳۹۴
تعداد	:	۱۵۰ نسخه
چاپ	:	دیجیتال تهران
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۵۹۵۵-۴۴-۶

تهران: خیابان اردیبهشت، کوچه وحید، پلاک ۴، واحد ۴: تلفن: ۶۶۶۹۶۰۶۰۳-۶۶۴۱۳۷۲۶

www.samirpublication.com

۳۰۰۰۰ تومان

روزگار است این که گه عزت دهد گه خوار دارد چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها بسیار دارد
«قائم مقام فراهانی»

راستی عجب عالمی است که آدمی با تمام قدرت تسلطی که بر موجودات از جاندار و بی جان دارد خود و سر نوشتش بازیچه دست روزگار است. روزگار هم که به حق «بازیگر و کج رفتارش» خوانده‌اند، مدار درستی در کار خود ندارد. معلوم نیست چرا یکی را بی جهت و دلیل از فقر و ذلت به دولت و عزت می‌رساند و دیگری را بی حساب و کتاب از بلندی به پستی می‌کشانند و خوار و ذلیل می‌گردانند. از چیست که یکی را از گرسنگی در تب و تاب انداخته و دیگری را از ثقل معده دچار التهاب ساخته. چرا عاشق بی مهر و وفا از عشق دل‌آرام برخوردار و دست در گردن یار دارد ولی دلباخته با صدق و صفا از جفای دلدار بی قرار و اشک غم از دیده می‌بارد.

یک جا می‌نگرید که سرباز جانبازی در میدان گرم جنگ هدف هزاران تیر بلا گشته از زیر باران گلوله جان به در می‌برد ولی سردار فراری در بستر نرم قضا گیر گشته از تیر هوایی در می‌گذرد. یکجا هم می‌بینید که بیمار توانگر از اشتباه طبیب تباه و خسته و کذا از فقدان حکیم و دوا شفا می‌یابد.

رفتار روزگار با همه مردمان یکسان نیست و چون نیک بنگرید می‌بینید که این دنیا برای جمعی روضه رضوان و بهشت برین و برای خلقی جهنم سوزان و دوزخ آتشین است، گروهی هم در بین این برزخ حیران و سرگردان و شب و روز نگران که آیا روزگار هوسباز چه سازی برای آنان خواهد نواخت و که را کجا خواهد انداخت.

بعضی بر این عقیده که این همه اضداد و بیداد از خود آدمیزاد است. برخی هم بر این پندار که همه را دست روزگار به بار آورد حل این معما کار ما نیست آنچه مسلم است هر کسی در عمر خود داستان‌هایی از پستی و بلندی روزگار دیده و خوانده و شنیده است ولی در میان هزاران نظائری که از این قبیل در جهان و خاصه کشور ما ایران روی داده شاید هیچ یک عجیب‌تر از آن نباشد که روزگار بیدادگر در حق دو کودک نوزاد روا داشت و یادگاری از هوسبازی در تاریخ گذاشت که تا جهان پایدار است مایه عبرت و حیرت آدمیان خواهد بود.